

بررسی ماهیت مجازات اعدام در جرائم قاچاق مواد مخدر

چکیده:

از گذشته اختلاف دیدگاه‌هایی بین تعدادی از فقها و حقوقدانان در خصوص ماهیت مجازات «اعدام» در جرایم تعزیری به ویژه در جرایم قاچاق مواد مخدر مطرح بوده که با دسته‌بندی مجازات‌های جرایم تعزیری در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و عدم ذکر مجازات «اعدام» در این ماده، این اختلاف نظرها بیشتر و عمیق‌تر گردیده است.

این اختلاف دیدگاه‌ها و استدلال‌هایی که فقها و علمای حقوق در جهت اثبات نظریه خود ارائه می‌دهند به گونه‌ایست که برخی از قضات و متصدیان امر مبارزه با مواد مخدر را با چالش جدی روبرو نموده است. در این مقاله، پس از بیان مقدمه، به تعاریف حد، تعزیر، مفسد فی الارض و محاربه و تفاوت‌های بین تعزیر و حدود پرداخته و سپس به بررسی دیدگاه‌های متفاوت عده‌ای از فقها و حقوقدانان در رابطه با ماهیت مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر پرداخته شده است و پس از تعریف جرائم و مجازات‌های حد و تعزیر و بیان تفاوت‌های این دو با یکدیگر، نظریه‌ی عده‌ای از فقها که «معتقدند مجازات جرایم تعزیری باید کمتر از مجازات‌های حدی باشد و نمی‌توان در خصوص جرایم تعزیری از جمله قاچاق مواد مخدر، مجازات اعدام، که اشد مجازات‌ها می‌باشد را تعیین نمود» را به صورت مشروح بیان شده (گروه اول) و سپس دیدگاه عده‌ای دیگر از فقها که معتقدند «اگرچه مجازات جرایم تعزیری باید کمتر و پایین‌تر از مجازات‌های حدی باشد، لیکن مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر از باب تعزیر نیست بلکه از مصادیق افساد فی الارض محسوب شده و می‌توان تحت عنوان «مفسد فی الارض» حکم به مجازات «اعدام» قاچاقچی مواد مخدر صادر نمود» را بیان (گروه دوم) و در تعاقب، نیز به نظر گروه سوم که با استناد به آراء و فتاوی معتبر فقهی، با رد نظر دو گروه دیگر، این گونه عقیده دارند که «در مواردی که مصلحت جامعه اسلامی ایجاب نماید، حاکم شرع (ولایت فقیه) با مدنظر قرار دادن شرایط خاص اجتماعی، مکانی و زمانی می‌تواند نسبت به صدور مجازات «اعدام» در خصوص مرتکبین جرایم تعزیری به ویژه قاچاقچیان مواد مخدر اقدام نماید» (گروه سوم) پرداخته شده است.

در پایان ضمن نتیجه‌گیری بحث و تجزیه و تحلیل نظرات هر سه گروه، پیشنهادات و راهکارهای مناسب برای رفع شبهات موجود ارائه گردیده است.

کلید واژه: اعدام، قاچاق مواد مخدر، حدود، تعزیر، محاربه، افساد فی الارض،

مقدمه

گیتی عواید نامشروعی را عاید بسیاری از قاچاقچیان نموده است و متأسفانه کشور ما به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در همسایگی کشورهای

قاچاق مواد مخدر امروزه به‌عنوان یکی از پرسودترین تجارت‌های غیرقانونی دنیا به شمار رفته و در سراسر

فقهی «التعزیر بمادون الحد» یعنی «مجازات تعزیری کمتر از حد می‌باشد» و مجازات تعزیری نمی‌تواند از مجازات‌های تعیین شده در حدود که اشد آن اعدام می‌باشد، بیشتر باشد، لذا اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در ارتکاب جرایم تعزیری قاچاق مواد مخدر با استناد به این قاعده محل اشکال می‌باشد. برخی دیگر از فقها و حقوقدانان با برداشت گروه اول، از قاعده فقهی مذکور موافق می‌باشند یعنی قبول دارند که «مجازات تعزیری کمتر از حد می‌باشد» ولی برای توجیه مجازات اعدام در جرم قاچاق مواد مخدر، معتقدند که قاچاق، خرید و فروش و توزیع مواد مخدر جز جرایم تعزیری محسوب نمی‌شوند بلکه به استناد برخی آرای فقهی، این گونه جرایم چون موجب اشاعه فساد در سطح جامعه می‌گردد مرتکب آن به عنوان مفسد فی الارض محسوب شده و چنانچه به صورت مسلحانه باشد مصداق محاربه قرار می‌گیرد. لذا مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر از باب حدود می‌باشد نه تعزیرات، گروهی دیگر از صاحب نظران چنین عقیده دارند که قاعده فقهی «التعزیر بمادون الحد» به این معنا که «مجازات تعزیری کمتر از حد می‌باشد» نیست بلکه معنای صحیح آن «مجازات تعزیری غیر از حد است» می‌باشد و به استناد به این قاعده و قاعده فقهی «التعزیر به ما یراه الامام» تعزیر در اختیار امام (یا حاکم) می‌باشد» اعتقاد دارند که حاکم چنانچه بنا به دلائلی مصلحت بداند می‌تواند هر نوع مجازاتی حتی اعدام را در خصوص جرم تعزیری مورد نظر وضع نماید و این مسله هیچ ارتباطی با حدود ندارد. همچنین این گروه معتقدند مجازات تعزیری غیر از حد می‌باشد و تعیین مجازات جرایم تعزیر نیز در اختیار

چون افغانستان (بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در جهان) و پاکستان و وجود بازار مصرف در داخل کشور و از طرفی سهل الوصول ترین مسیر ترانزیتی به سایر کشورها از جمله قاره اروپا، همواره مورد توجه قاچاقچیان و سودجویان مواد مخدر قرار داشته و این افراد به انحاء مختلف و در مواردی به صورت مسلحانه اقدام به وارد نمودن انواع مواد مخدر به داخل کشور نموده و محموله‌های مواد مخدر را از داخل خاک ایران عبور داده و یا با توجه به وجود بازار مصرف و جمعیت جوان کشورمان، اقدام به توزیع انواع مواد مخدر در داخل کشور می‌نمایند. سیاست جمهوری اسلامی ایران همواره برخورد جدی با این بلای خانمان سوز جهانی بوده، به نحوی که تا کنون در این راه هزینه‌های معنوی و مادی بسیار زیادی در این راه صرف شده است که می‌توان به تقدیم حدود ۴ هزار نفر شهید اشاره نمود، یکی از اقدام‌های اساسی در امر مبارزه با مواد مخدر برخورد قاطع قانونی و قضایی با قاچاقچیان و تعیین شدیدترین مجازات یعنی «اعدام» در قوانین کیفری می‌باشد که همواره انتقادهایی از سوی برخی از حقوقدانان داخلی و همچنین مجامع بین‌المللی بر این موضوع وارد می‌باشد. با توجه به اینکه در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در دسته‌بندی مجازات‌های تعزیری، مجازات اعدام ذکر نشده است و از طرفی جرم قاچاق مواد مخدر و جرایم مرتبط با آن نیز در زمره جرایم تعزیری قرار دارد، لذا بر این اساس اختلاف نظرهای متعدد و ابهاماتی پدید آمده و در این خصوص بین فقها و حقوقدانان تفاوت دیدگاه زیادی وجود دارد. برخی از صاحب نظران چنین عقیده دارند که قاعده

حاکم می‌باشد.

زیاد کند.

حال با عنایت به ابهام به وجود آمده که در بالا به صورت مختصر به آن اشاره گردید، این سئوالات مطرح می‌گردد، که با توجه به مفاد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و با عنایت به حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، آیا صدور حکم اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر به استناد قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۷۶، قانونی است یا خیر؟ آیا می‌توان جرایم قاچاق مواد مخدر را در زمره «حدود» لحاظ نمود؟ آیا امکان صدور مجازات اعدام در خصوص جرایم تعزیری وجود دارد؟

لذا با عنایت به موارد سئوالات و بیان مسئله فوق و اختلاف نظر در ماهیت مجازات اعدام در جرائم قاچاق مواد مخدر؛ ضرورت دارد تا با استدلال و استناد به قانون و منابع معتبر فقهی و حقوقی؛ پاسخ منطقی و مناسبی به این ابهامات و سئوالات داده شود و به نتیجه قابل قبولی در این خصوص دست یافته و ماهیت مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر به صورت کارشناسی مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

مبانی و مفاهیم نظری و ادبیات تحقیق

تعاریف و تفاوت‌های بین حد و تعزیر

حد

بر اساس ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حد، به مجازات‌هایی گفته می‌شود که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس مشخص شده است. مجازات‌های حدود مجازات‌هایی است که برای بعضی از جرایم از طرف شارع مقدس تعیین شده و اقل و اکثر ندارد و هیچ کس حق ندارد آن را کم یا

تعزیر

تعزیر در لغت به معنای یاری کردن، بزرگداشت و تأدیب است. تعزیر در اصل به معنای جلوگیری و بازداشتن است؛ لذا تأدیبی که به صورت کمتر از حد باشد، تعزیر نامیده می‌شود؛ چرا که باعث بازداشتن مجرم از تکرار جرم می‌شود. شهید ثانی می‌گوید «معنای لغوی تعزیر تأدیب است و معنای شرعی آن مجازات یا نکوهشی است که از طرف شرع تعیین نشده است». در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه چنین آمده است «تعزیر عبارت است از تأدیب به آنچه که حاکم مصلحت ببیند؛ به منظور اینکه مرتکب عمل حرام را از تکرار ارتکاب عمل ممنوع بازدارد» و در اصطلاح فقهی، کیفری است که چگونگی و اندازه آن معین نیست و حاکم شرع با توجه به مصالح فرد و جامعه مقتضیات زمان و مکان، شدت جرم، سوابق و ویژگیهای مجرم آن را تعیین می‌کند. صاحب شرایع در همین مورد می‌نویسد: هر آنچه که مجازات معینی داشت، نامش حد است و آنچه که به این صورت نباشد تعزیر نام دارد. همچنین یکی از فقهای مشهور قرن ششم در تعریف تعزیر می‌گوید «تعزیر نوعی تأدیب است که خدای سبحان آن را برای جلوگیری گنهکار از تکرار گناه و دیگران از آلوده شدن به آن، وضع کرده است و تمام کسانی که واجبی را ترک می‌کنند، یا مرتکب حرامی می‌شوند که حد شرعی ندارد، مستوجب تعزیر هستند». محقق حلی نیز می‌گوید «هر چیزی که مجازات معین و مشخصی داشته باشد حد، و غیر آن تعزیر شمرده می‌شود». همان گونه که مشخص است؛ این فقها نیز تعزیر را منحصر در شلاق نکرده، بلکه

خدا و پیامبرش به جنگ بر می‌خیزند و به فساد در روی زمین اقدام می‌کنند فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پای آنها به عکس یکدیگر بریده شود و یا نفی زمین شوند. این رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت مجازات عظیمی دارند» همچنین محارب در لغت به کسی گویند که سلاح به دست گیرد و مردم را بترساند و ایجاد ناامنی در جامعه نماید، خواه در خشکی باشد خواه دریا، شب باشد یا روز، در شهر باشد یا غیرشهر.

ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چنین مقرر می‌داشت «هر کس برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد» یکی از اشکالات مهمی که در این ماده وجود داشت این بود که قانون‌گذار تعریف محارب و مفسد فی الارض را به صورت مشترک و واحد عنوان نموده و مجازات آن دو را نیز به طور یکسان بیان کرده بود، ولی خوشبختانه قانون‌گذار در ماده ۲۸۱ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعریف محارب و مفسد فی الارض به صورت جداگانه بیان و در تعریف محارب، چنین می‌گوید «راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند» و به استناد ماده ۲۸۲ همان قانون، حد محاربه اعدام یا صلب یا قطع دست راست و پای چپ و یا نفی بلد (کمتر از یکسال نمی‌باشد) بوده و انتخاب هر یک از این موارد به اختیار قاضی (ماده ۲۸۳ ق.م.ا) می‌باشد.

در خصوص چگونگی انتخاب یکی از مجازات‌های تعیین شده برخی از فقها قایل به تخییر قاضی و عده‌ای

شامل هر نوع مجازاتی می‌داند همچنین بر اساس ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعزیر چنین تعریف شده است «مجازات است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد و نوع و مقدار و کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود و دادگاه در صدور حکم تعزیری مواردی از قبیل انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، شیوه ارتکاب جرم و گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم و سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی را مورد توجه قرار دهد» همچنین مجازات‌های جرایم تعزیری در ماده ۱۹ ق.م.ا در هشت درجه تقسیم شده که بالاترین آنها (درجه یک) شامل حبس بیش از ۲۵ سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی می‌باشد. بنابراین مبنا و رکن اصلی تعزیر «غیر مقدر بودن» آن است.

محاربه

محاربه را به حمل سلاح و یا آشکار ساختن آن تعبیر نموده‌اند و ظاهراً مقصود آنها همان داشتن سلاح و دست بردن به آن به منظور اخافه دیگران می‌باشد، قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده می‌فرماید «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم» یعنی «کیفر آنان که با

حقیقت و سهولت فهم مطلب، اخبار متضمن مجازات‌های تعزیری را تحت دسته‌های کلی‌تر معرفی می‌کنیم:

الف) دسته نخست، اخباری است که بدون بیان نوع مجازات تعزیری، تنها شخص را قابل مجازات تعزیری اعلام داشته‌اند، مرحوم صدوق درباره یکی از قضاوت‌های حضرت علی (ع) چنین نقل می‌کند «درباره کسی که در انظار عمومی و آشکارا دست به چپاول می‌زند، مجازات قطع ید جاری نمی‌شود؛ ولی چنین شخصی را تعزیر می‌کنم»

ب) دسته دوم، روایاتی است که در آنها در مواردی که مجازات تعزیری قابل اعمال است، به جای به کار گرفتن لفظ تعزیر، عبارت «ضرب» و «جلد» و سایر مشتقات آن به کار رفته است، روایت زید شحام از امام جعفر صادق (ع) امام در مورد مرد و زنی که زیر یک پوشش یافت شوند، فرموده‌اند: هر کدام صد تازیانه می‌خورند، منهای یک تازیانه.

ج) دسته سوم، روایاتی که در آنها به صراحت، مجازات تعزیری را با تازیانه اعلام داشته است؛ به عنوان نمونه، خبر اسحاق بن عمار از امام موسی کاظم (ع) پرسیدم: تعداد تعزیر چقدر است؟ ایشان فرمودند: بین ۱۰ تا ۲۰ ضربه است.

د) دسته چهارم، روایاتی که در آنها مجازات تعزیری به صورت حبس، جریمه، تبعید و نظایر آن تعیین شده است. از جمله این روایات است، سماعه از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام در مورد فردی که با حیوانی آمیزش نموده است؛ فرمودند «می‌بایست به چیزی جز تازیانه حد بخورد، سپس به مکانی دیگر تبعید شود» صاحب جواهر در شرح این روایت می‌نویسد «تبعیدی که در

معتقدند که تعیین مجازات باید به ترتیب باشد ولی در چگونگی ترتیب مجازات نظریات مختلفی وجود دارد به عنوان مثال برخی می‌گویند «اگر محارب کسی را کشت، کشته می‌شود و اگر کسی را کشت و مال را هم برد، کشته و بعد مصلوب می‌گردد و اگر فقط مالی را برد دست و پای او به صورت مخالف، قطع می‌شود و اگر به ترساندن اکتفا کرد فقط تبعید می‌شود».

مفسد فی الارض

بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، نا امنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

در قانون حدود و قصاص مصوب سال ۱۳۶۱ در ماده ۲۰۱، جرم افساد فی الارض چنین تعریف شده بود «هر فرد یا گروهی که با توجه و آگاهی دست به عملی زند که سلامت نظام جامعه اسلامی را در قسمتی از زمین به خطر اندازد، مفسد فی الارض است».

تعزیر از دیدگاه فقها

برخی از صاحب نظران بر این باورند که ظاهر روایات و اخبار در دسترس، نشان می‌دهد که تعزیر «ضرب بما دون الحد» است. در اینجا جهت روشن شدن

موثق سماعه ذکر شده، می‌بایست بر موردی حمل نمود که حاکم طبق نظر خویش به اجرای تعزیر می‌پردازد. همچنین از کلمات گروه زیادی از فقیهان چنین استفاده می‌شود که معنای تعزیر «ضرب با تازیانه به میزان کمتر از حد» است؛ چرا که آنها در موارد زیادی مجازات تعزیری را به «مادون الحد» مقید کرده‌اند و گفته‌اند «تعزیر به میزان حد کامل نمی‌رسد و عبارت است از ضرب و یا جلد بما دون الحد» به عنوان نمونه، مرحوم شیخ مفید درباره نسبت بین حد زنا و تعزیر می‌نویسد «اجرای تعزیر نسبت به مرد و زن الزامی است که بر حسب رأی امام از ده تا نود و نه تازیانه است؛ و در این باب هیچ‌گاه تعزیر به مقدار حدّ زنا که در شریعت اسلام اختصاصی است، نمی‌رسد».

بررسی دیدگاه مخالفین مجازات اعدام در

جرائم قاچاق مواد مخدر

تعدادی از فقهای شیعه معتقدند که تعزیر نباید به میزان مجازات حدی برسد و قاعده «التعزیر بمادون الحد» به معنای این است که میزان مجازات جرایم تعزیری پایین‌تر از مجازات حدود می‌باشد و مجازات تعزیری نباید همسطح و یا بالاتر از مجازات حدی قرار گیرد چرا که جرایم حدی در نظر شارع دارای اهمیت فوق العاده‌ای بوده است که برای اعمال آن مجازات‌ها، شرایط و چهارچوب خاصی در نظر گرفته شده است، برخلاف جرایم تعزیری که اهمیت کمتری نسبت به جرایم حدی داشته و لذا می‌بایستی مقررات آسانتری نیز در مورد آن‌ها وضع شود. به عنوان نمونه ابن فهد حلی در کتاب مهذب البارع می‌نویسد «تعزیر موکول به نظر امام است، مقدار تعزیر به حد نمی‌رسد، حداقل

مجازات تعزیری هم مشخص نیست؛ زیرا اگر حداقل آن مشخص باشد، مجازات حدی خواهد شد».

همچنین به نظر برخی از فقها، در تعزیرات، اصل بر تازیانه است؛ و مجازات‌های دیگر که احیاناً به عنوان تعزیر انجام می‌گیرد، عنوان بدل دارد. بنابراین، باید در مقام اجرای «بدل» دقیقاً مورد اندازه‌گیری قرار گیرد تا از حیث تأثیر، از مبدل تجاوز ننماید. از این رو، سایر مجازات‌ها، مانند زندان و جریمه مالی، بر خلاف اصل و منحصر به موارد مشخص است که در کلام یا عمل قانونگذار اسلامی آمده است و در غیر آن موارد، نمی‌توان آن مجازات را اعمال نمود. این دسته از فقها معتقدند که اختیار انواع دیگر عقوبت‌ها (جز تازیانه) بر خلاف اصل است؛ مگر آنکه اولاً، برابر با عقوبت تازیانه باشد. ثانیاً، اختیار عقوبت دیگر مشروط بر آن است که خود بزهکار بدان رضایت دهد؛ در غیر این صورت قابل اجرا نیست از این رو، بر علامه حلی که تعزیر را شامل حبس و توبیخ نیز دانسته است، ایراد نموده و اظهار داشته‌اند که گفته‌ی ایشان بر خلاف اصل، بلکه اجتهادی در برابر نصّ است؛ زیرا عقوبت حبس شرعاً محدود به عددی نیست تا «دون الحد» بر آن صادق باشد.

از آنجایی که قانون مجازات اسلامی در خصوص اینکه آیا مجازات تعزیری می‌تواند همانند مجازات حدی و یا شدیدتر از آن باشد؟ ساکت می‌باشد، باید گفت، در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ صرفاً نسبت به مجازات شلاق چنین عنوان می‌داشت «میزان شلاق تعزیری باید کمتر از شلاق حدی باشد» اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هیچ اشاره‌ای به این مهم ننموده است، فلذا بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۲۰

ق.م.ا می‌بایست پاسخ مقتضی را از مراجعه به فتاوی معتبر فقهی به دست آورد. که با توجه به نظر مشهور فقها مبنی بر اینکه مجازات جرایم تعزیری می‌بایستی در هر حال از مجازات در نظر گرفته شده برای حدود کمتر باشد و به استناد قاعده «التعزیر بمادون الحد» نمی‌توان برای یک جرم تعزیری مجازات اعدام که شدیدترین مجازات‌ها می‌باشد را در نظر گرفت؛ لذا مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر منتفی خواهد بود.

بر همین اساس قانونگذار در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اساساً مجازات اعدام تعزیری را منتفی نموده است یعنی قانونگذار کلیه اعدام‌های تعزیری را به مجازات‌های تعزیری درجه‌ی یک که شدیدترین نوع مجازات تعزیری است، تبدیل کرده است و در تقسیم انواع مجازات‌های تعزیری؛ سنگین‌ترین و بالاترین نوع از انواع مجازات‌های تعزیری را حبس بیش از ۲۵ سال تعیین و از ذکر مجازات «اعدام» در دسته بندی جرایم تعزیری خودداری نموده است. فلذا با عنایت به موارد فوق و با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر منتفی خواهد بود و منبهد نمی‌توان قاچاقچی مواد مخدر را به اعدام محکوم کرد و چنانچه قانونگذار نظری غیر از این می‌داشت، می‌بایستی نوع مجازات اعدام را در دسته بندی مجازات‌های تعزیری در قانون قید می‌کرد.

از طرفی؛ با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین استناد افرادی که مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر را از باب افساد فی‌الارض (حدود) می‌دانند آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده می‌باشد عده‌ای از جمله آیت الله سید محمد حسن مرعشی معتقدند افرادی مشمول احکام

چهارگانه قید شده در آیه شریفه می‌باشند، که اولاً سلاح کشیده و قصد ترساندن و به وحشت انداختن را داشته باشند، ثانیاً قصد فساد داشته باشند، ثالثاً قصد اصلی آنها محاربه علیه خدا و رسول باشد و در نتیجه فساد فی‌الارض، عنوان مستقل در شرع نبوده و دارای حکم جزایی خاصی نیز نیست بلکه این عنوان در آیه مربوط مبین و مکمل تعریف محاربه است بنابراین همه اعدام‌هایی که به عنوان فساد فی‌الارض انجام می‌شوند خلاف شرع می‌باشند و با توجه به اینکه ملاک قانون گذار جمهوری اسلامی ایران شریعت می‌باشد پس فقط می‌توان در خصوص جرائم منصوص شرعی، حکم به مجازات اعدام را صادر نمود.

عده‌ای نیز معتقدند وقتی برای بدترین جرم که همان محاربه علیه خدا و رسول خداست، چهار مجازات تخییری مقرر شده است پس چگونه می‌توان برای سایر جرائمی که فسادشان از محاربه کمتر می‌باشد، منحصرأ و به طور قطع مجازات اعدام صادر نمود.

همچنین روایاتی وجود دارد که در هیچ مرحله‌ای از جرایم تعزیری قتل را واجب نمی‌داند، به عنوان مثال امام صادق (ع) در مورد «ربا خوار» و «کسانی که گوشت خوک» و «خون» می‌خورند فرمودند «چنین اشخاصی تعزیر می‌شوند و اگر گناه را تکرار نمودند مجدداً تعزیر می‌گردند و اگر برای بار سوم نیز تکرار کردند باز هم تعزیر می‌شوند و حدی بر آنان جاری نمی‌شود» (شیخ حر عاملی، باب ۷، حدیث ۳) مرحوم صدوق نیز همین روایت را نقل کرده، ولی به جای «و لَیْسَ عَلَیْهِمْ حَدٌّ» جمله «و لَیْسَ عَلَیْهِ قَتْلٌ» را جایگزین نموده است یعنی در هیچ مرحله‌ای چنین مجرمی، کشته نمی‌شود (شیخ

صدوق، ۵۰/۴) بنابراین، اعدام در صورت تکرار جرائم تعزیری جایز نیست، هر چند بارها تکرار شود. البته لازم بذکر است سند روایت مذکور همان گونه که در مرآت العقول، جلد ۲۳، صفحه ۳۷۶ آمده است ضعیف می‌باشد. با توجه به اینکه جرایم مواد مخدر در زمره جرایم تعزیری قرار داشته و جزء جرایم منصوص شرعی و حدود نمی‌باشد، لذا این دسته از فقها به استناد به موارد فوق، معتقدند نمی‌توان قاچاقچی یا فروشنده مواد مخدر را تحت این عنوان که چنین افرادی مفسد فی الارض می‌باشند، اعدام نمود. چون آیه کریمه ۳۳ سوره مائده در رابطه با کسانی است که با قصد ایجاد رعب و وحشت و به صورت مسلحانه مرتکب فساد بر روی زمین گردد و هر فردی که بدون داشتن چنین قصدی، دست به فساد بزند، شامل چنین مجازاتی نمی‌باشد.

بررسی دیدگاه‌های فردی که مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر را از باب افساد فی الارض می‌دانند

برخی از فقهای شیعه معتقدند که اگرچه به استناد قاعده «التعزیر بمادون الحد» میزان مجازات جرایم تعزیر نباید به میزان مجازات حدی برسد و میزان مجازات جرایم تعزیری پایین‌تر از مجازات حدود می‌باشد و بنا به نظر مشهور فقها میزان مجازات جرایم تعزیری می‌بایستی در هر حال از مجازات در نظر گرفته شده برای حدود کمتر باشد و نمی‌توان برای یک جرم تعزیری مجازات اعدام که شدیدترین مجازات‌ها می‌باشد را در نظر گرفت و اگرچه جرایم مواد مخدر جزء حدود و جرایم منصوص شرعی نمی‌شود؛ لیکن مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر از باب تعزیر نبوده بلکه به استناد

روایات فقهی معتبر، این مجازات از آنجایی که موجب اشاعه فساد در زمین بوده، از باب حد مفسد فی الارض می‌باشد و به اعتقاد این دسته از فقها اشخاصی که در حد وسیع اقدام به توزیع مواد مخدر می‌نمایند، مصداق مفسد فی الارض بوده و به مجازات مفسد محکوم می‌شوند.

*** در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی موادی وجود دارد که نشان می‌دهد اگرچه برخی از جرایم جز حدود محسوب نمی‌شوند ولی بر اساس آثار زیانبار و مفسده‌ای که برای جامعه دارند، قانونگذار آنها را از مصادیق جرم افساد فی الارض محسوب نموده که به عنوان نمونه می‌توان به مواد زیر اشاره نمود:

۱- ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید «افرادی را که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشا یا اختلاس و کلاهبرداری مبادرت می‌ورزند، در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند، مجازات جرم افساد فی الارض را برای آنان تعیین می‌کند»

۲- در بخشی از ماده ۲ قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ چنین عنوان شده است «هریک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام محکوم می‌شود» برخی از اعمالی که در بندهای ماده ۱ ذکر شده عبارتند از اقدام به خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی، اقدام بانندی و

تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی و غیرو می‌باشد.

۳- ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان و توزیع کنندگان اسکناس می‌گوید «هر کس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا به واسطه جعل کند یا با علم به جعلی بودن، توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد؛ به اعدام محکوم می‌شود، همچنین عامل عامد و عالم ورود اسکناس مجعول به کشور به عنوان مفسد به اعدام محکوم می‌شود، مگر آنکه عضو باند نبوده و قصد مبارزه با نظام را نداشته باشد» در این ماده واحده نیز مجازات اعدام از باب مفسد فی الارض می‌باشد

۴- در مورد مجازات قاچاقچیان مواد مخدر نیز به صراحت قانونگذار مجازات اعدام آنان را از باب افساد فی الارض دانسته است. ماده ۹ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ می‌گوید «... چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به ۳۰ گرم برسد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود».

۵- همچنین شورای نگهبان در اعلام نظر مورخ ۱۳۶۱/۶/۱۳ خود در مورد ماده ۲۰۱ قانون حدود و قصاص سال ۱۳۶۱ در خصوص تعریف افساد فی الارض چنین نظر داده است «ماده ۲۰۱ حذف شود و مصادیق لازم به عنوان موادی صریحاً ذکر شود؛ از قبیل تشکیل مراکز فساد، عشرتکده و تهیه و فروش مواد مخدر در حد زیاد که موجب فساد جامعه شود» همان طور که ملاحظه می‌شود فقهای شورای نگهبان مخالفتی با

عنوان مستقل جرم افساد فی الارض نداشته و حتی تهیه و فروش مواد مخدر در حدی که موجب فساد جامعه شود را جز مصادیق افساد فی الارض می‌دانند.

۶- حضرت امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤال شورای عالی قضایی در سال ۱۳۶۱ مبنی بر «در قاچاق تریاک که فی الجمله دارای منافع مشروع است در چه حدی افساد فی الارض صدق می‌کند؟» چنین فرموده‌اند «فساد در صورتی است که مواد مخدر پخش شود به طوری که موجب ابتلای بسیاری شود یا به قصد این عمل و یا با علم به این اثر»

۷- شورای عالی قضایی در بخشنامه شماره ۱/۴۳۳۸۳ - ۱۳۶۱/۹/۱۶ مقرر داشت «محکومیت به مجازات اعدام در رابطه با مواد مخدر در صورتی صحیح و منطبق با موازین اسلامی است که فعالیت مجرم در حدی باشد که موجب انطباق عنوان مفسد فی الارض بر او گردد یعنی فعالیت او در امر توزیع و حمل و مانند آنها سبب فساد در ناحیه یا منطقه‌ای از زمین شود .

در کتب فقهی نیز علیرغم آنکه بابتی تحت عنوان افساد فی الارض وجود ندارد و برخی از فقها جرم افساد فی الارض را با محاربه یکی دانسته‌اند؛ اما در بررسی دقیق‌تر روشن می‌شود که بسیاری از فقها جرم افساد فی الارض را جرم مستقل دانسته‌اند؛ گرچه تعریفی از آن ارائه نداده و در باب مستقلی از آن بحث نکرده‌اند؛ به اعتقاد برخی از فقها بین محاربه و افساد فی الارض عموم و خصوص مطلق می‌باشد، بدین معنا که هر محاربه‌ای الزاماً افساد فی الارض نیز می‌باشد اما بسیاری از مصادیق افساد فی الارض در محاربه صدق نمی‌کند. برخی از فقهای معاصر به صراحت به این نکته اذعان نموده‌اند که

جرم افساد دارای مفهومی مستقل از جرم محاربه است. از جمله می توان به نظر آیت الله ناصر مکارم شیرازی که می گوید «محارب به کسی گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد و در محیط اجتماع ایجاد ناامنی کند و مفسد فی الارض کسی است که منشأ فساد گسترده ای در محیطی شود هرچند بدون توسل به اسلحه باشد مانند قاچاقچیان مواد مخدر و کسانی که مراکز فحشا را به طور گسترده ایجاد می کنند» و همچنین آیت الله حسین نوری همدانی می گوید «مفسد فی الارض کسی است که امنیت اجتماعی را به هم بزند هرچند بدون توسل به اسلحه باشد»، اشاره نمود.

این دسته از فقها چنین اعتقاد دارند که با توجه به توضیحات فوق، هر عملی که آثار تخریبی گسترده ای را به وجود آورد و یا موجب بروز فساد گسترده ای گردد، مانند توزیع گسترده مواد مخدر، در چنین مواردی نفس عمل باید حاکی از قصد و سعی مرتکب در به فساد کشاندن جامعه تلقی گردد و عنصر معنوی در آن مفروض گرفته شود. از این رو ایجاد شبکه های گسترده قاچاق مواد مخدر به هر انگیزه ای مصداق «افساد فی الارض» خواهد بود.

به عقیده ایشان، عنوان افساد فی الارض یکی از جرایم منصوص در حقوق جزای اسلام است و شامل هر جرمی که منجر به مفسده عمومی و انحراف جامعه از راه حق شود می گردد و مجازات مرتکبین چنین جرمی اعدام است. لذا جرایمی مانند قاچاق مواد مخدر، تشکیل باندهای فساد و فحشا و امثالهم از مصادیق جرم مذکور هستند که احکام آنها نه در آیه ۳۲ سوره مائده بیان

شده است. منظور از افساد فی الارض هر کاری است که خدا از آن نهی فرموده باشد بنابراین شامل هر مفسده اجتماعی می شود.

در زیر به برخی از مصادیق افساد فی الارض از دیدگاه فقها اشاره می گردد:

۱- در جرم آدم ربایی، برخی از فقها از جمله علامه حلی و محقق حلی؛ مجازات شخصی را که اقدام به آدم ربایی می کند و شخص آزادی را برآید؛ قطع دست او می دانند، به دلیل اینکه او مفسد فی الارض است.

۲- در مورد مجازات مسلمانی که به قتل کفار ذمی یا بردگان عادت پیدا کرده است، بین فقها نظراتی مطرح است. بر اساس روایات وارده چنین شخصی کشته خواهد شد؛ اما دلیل قتل او به نظر برخی از فقها فساد او می باشد. به عنوان نمونه شهید ثانی در شرح لمعه چنین می فرماید: «أنه مفسد فی الارض بارتکاب قتل من حرم الله قتله».

۳- برخی از فقها در مورد شخص کفن دزدی که بعد از ۳ بار تعزیر، مجدداً اقدام به کفن دزدی می نماید؛ عقیده دارند که پس از سه بار تعزیر باید او را کشت، علامه حلی در مختلف، دلیل این حکم را این می داند که او پس از چند بار اجرای مجازات و اصرار بر کار خود، عنوان مفسد را پیدا کرده است.

بنابراین هر شخصی که به قصد نابودسازی نیروی جوان جامعه و یا با علم به آن و به قصد ضربه زدن به حکومت، اقدام به پخش مواد مخدر و یا سی دی مبتذل در سطح وسیع و کلان می کند و یا اقدام به دایر نمودن اماکن فساد و فحشا، به منظور مقابله با اعتقادات مذهبی جامعه می نماید، مفسد فی الارض می باشد و مستحق

مجازات‌های قید شده در آیه ۳۳ سوره مائده می‌باشد. در هر حال به نظر این دسته از فقها؛ جرائمی چون قاچاق مواد مخدر که موجب فروپاشی جامعه می‌گردد، از مصادیق بارز افساد فی الارض می‌باشد و به همین دلیل قانونگذار آن را تحت عنوان مفسد فی الارض قابل مجازات از نوع اعدام دانسته است.

بررسی دیدگاه‌های افرادی که مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر را از باب تعزیرات می‌دانند نه حدود

د/ با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین استناد افرادی که مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر را از باب افساد فی الارض (حدود) می‌دانند آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده می‌باشد باید گفت که این آیه در خصوص مجازات افرادی می‌باشد که با اسلحه و شبیه آن قصد دارند در مردم وحشت ایجاد کنند و بدین وسیله فساد نمایند. به عبارت دیگر موضوع حکم آیه مزبور عبارت است از محاربه و فساد در زمین و این دو مفهوم از هم جدا نیستند و این آیه افرادی که در زمین فساد می‌نمایند اما محارب نیستند را در بر نمی‌گیرد.

پس آیه ۳۳ سوره مائده، نمی‌تواند معیار و ملاک باشد زیرا فساد معنای وسیعی دارد و فساد در زمین که مجوز اعدام در سوره مبارکه مائده آمده است، نمی‌تواند منشا موارد گسترده در قرآن کریم شود بلکه مواردی که فساد در زمین مجوز قتل است عبارتند از ایجاد نا امنی نسبت به نفوس و اعراض و اموال مردم و مبارزه با حکومت اسلامی به منظور براندازی یا تضعیف حکومت و جلوگیری از اجرای احکام مقدس اسلا؛ بنابراین با توجه به این نظر نمی‌توان عمل قاچاقچی مواد مخدر را از باب

افساد فی الارض مستوجب اعدام دانست.

د/۲- در ثانی چنانچه بپذیریم که مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر از باب افساد فی الارض (حدود) می‌باشد، چون حدود تعطیل بردار نیستند و به استناد ماده ۲۱۹ ق.م.ا غیر قابل تخفیف، تبدیل و یا تقلیل می‌باشند پس نمی‌توان ماده ۳۷ ق.م.ا (در خصوص تخفیف مجازات) را در مورد مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر اعمال کرد. در حالی که حکم تخفیف در مورد مجازات اعدام در ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ ذکر شده و ماده مذکور چنین می‌گوید «... میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد» همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۲۳۹۸ مورخه ۱۳۷۰/۵/۱۲ عنوان داشته «مجازات‌های مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام تعزیری است و استفاده از مقررات ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی (ماده ۳۷ فعلی) در مورد آنها بلااشکال است». پس از اگر مجازات اعدام از باب حد مفسد فی الارض باشد، پس قاعدتاً قابل تخفیف نیست ولی از آنجایی که به استناد ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر و نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه، مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر قابل تخفیف می‌باشد، پس چنین مشخص می‌گردد که مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر از باب تعزیر بوده و قابل تخفیف می‌باشد.

د/۳- از طرفی بسیاری از فقها معتقدند که چنانچه مرتکب پس از ارتکاب جرم (گناه) تعزیر شود، مثل این که استمناء کند و تعزیر شود، سپس بار دیگر همان

شرع است. در پاسخ به این دسته گروهی دیگر از فقها چنین اعتقاد دارند که در مجازات تعزیری اصل بر تازیانه نیست و انحصاری هم به آن ندارد؛ بلکه بر حسب زمان و مکان و صلاحدید حاکم و حکومت اسلامی می‌توان مجازات‌های دیگری در نظر گرفت، و آنچه که در کلام قانونگذار اسلامی و یا عمل او در موارد مختلف آمده به عنوان مثال بوده که قابل اتخاذ ملاک و تسری به موارد مشابه است؛ نه اینکه منحصر در آن موارد باشد؛ و علت ذکر تازیانه، در بیشتر موارد، به لحاظ عرف غالب در زمان شارع بوده است و چنین نتیجه گرفته می‌شود، که برای تنبیه بزهکاران و متخلفین، حاکم اسلامی می‌تواند انواع مجازات‌های متناسب با جرایم ارتكابی، نظیر زندان، جریمه مالی، تبعید، نگهداری در مراکز تأمینی و تربیتی، محرومیت از مشاغل دولتی، تعطیل مراکز فعالیت و کار و نظایر آن را بر حسب شرایط زمان و مکان و توانایی‌های اشخاص، تعیین نماید.

د/۵- یکی از مهم‌ترین استناد افرادی که مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر را خلاف شرع می‌دانند استناد به قاعده فقهی «التعزیر دون الحد» می‌باشد و این قاعده را چنین معنا می‌کنند که «تعزیر پایین‌تر از حد می‌باشد» در حالی که برخی از فقها معتقدند که کلمه «دون الحد» در جمله «التعزیر دون الحد» به معنای «کمتر و پایین» نیست، بلکه به معنی «غیر و سوی» است همچنین معنای «دون» منحصر در معنای فوق نیست، بلکه دارای سه معناست ۱- به معنای رتبه‌ای پایین‌تر یا عدد کمتر ۲- به معنای «قرب» و نزدیک بودن با چیزی. مرحوم طبرسی ذیل آیه ۶۲ از سوره الرحمن می‌گوید «معنای کلمه «دون» در این

جرم یا گناه تعزیری را مرتکب شود و مجازات گردد، همچنین در بار سوم نیز تکرار کند و حاکم او را تعزیر نماید، در صورتی که در مرتبه چهارم مرتکب همان جرم یا گناه تعزیری شود، محکوم به اعدام خواهد شد. به عنوان مثال صاحب جواهر می‌گوید «و لو تكرر مع تخلل التعزیر ثلاثاً قتل فی الرابعة او الثالثة علی البحث السابق» یعنی «هرگاه جرم تکرار شود و پس از هر بار تعزیر اجرا گردد، مجرم در مرتبه چهارم، یا سوم، طبق بحث سابق (منظور مبحث تجاوز به حیوانات) به قتل می‌رسد» (نجفی، ۶۴۴/۴۱) یکی دیگر از فقها می‌گوید «اگر شخصی گوشت مرداری بخورد تعزیر می‌شود، و چنانچه پس از تعزیر، آن جرم را تکرار نماید تعزیر شدیدتری می‌شود، و در صورتی که برای بار سوم آن را بجا آورد به قتل رسد» (حلی، ابن ادریس، ۲۵۰/۲۳) همچنین امام صادق (ع) در مورد وقتی که شهود بر رباخواری شخصی شهادت بدهند، فرمود «در مرحله اول تعزیر می‌شود و چنانچه مجدداً به آن روی آورد در دومین مرتبه نیز تعزیر می‌گردد اما اگر بار سوم آلوده آن شد به قتل می‌رسد».

نتیجه این که اصل حکم به قتل در صورت تکرار جرائم و اجرای تعزیر پس از هر بار، در بین فقها مشهور است و صرفاً بر این موضوع که مرتکب در مرتبه سوم کشته می‌شود یا در مرتبه چهارم، اختلاف نظر وجود دارد.

د/۴- فقهایی که مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر را خلاف شرع می‌دانند، معتقدند که در تعزیرات، اصل بر تازیانه است و سایر مجازات‌ها، مانند زندان و جریمه مالی، بر خلاف اصل و منحصر به موارد مشخص شده در

آیه، مکانی نزدیک به یک چیز نسبت به مکان دیگری است که به آن شیء به آن اندازه نزدیکی ندارد و این کلمه ظرف مکان است». ۳- به معنای «غیر و سوی» که اکثر قریب به اتفاق استعمالات قرآنی به همین معناست؛ یعنی بیش از ۱۳۰ مورد در قرآن به همین معنا استعمال شده است؛ در حالی که در دو معنای دیگر بیش از یکی دو مورد استعمال نشده است.

در روایات هم «دون» به همین معنای معروف (غیر) استعمال شده است: در صحیحۀ «سدیر» درباره‌ی کسی که با حیوانی نزدیکی کرده باشد آمده است «مقدار کمتر از حد تازیانه می‌خورد و بهای حیوان را به عنوان غرامت به صاحبش می‌پردازد». اما در موثقه‌ی «سماعه» مجازات فرد مزبور به این شکل آمده است «می‌بایست به چیزی جز حد، تازیانه بخورد» (همان) از مجموع روایات فوق به خوبی استفاده می‌شود که تعزیر عقوبتی است غیر از حد است.

این دسته از فقها، قاعده «التعزیر دون الحد» را «تعزیر غیر از حد» معنا می‌کنند و چنین عنوان می‌دارند که جرایم تعزیری غیر از جرایم حدی می‌باشد. همچنین روایات معتبری وجود دارد که بیانگر این مهم می‌باشد که تعیین نوع و میزان مجازات جرایم تعزیری در اختیار حاکم شرع می‌باشد. به عنوان مثال سماعه می‌گوید «از امام صادق (ع) در مورد تعزیر شاهدان زور پرسیدم، که ایشان فرمودند «آنها (شاهدان زور) تازیانه می‌خورند و مقدار آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد». همچنین حضرت علی (ع) در مورد شخصی که دیگری را با جمله «یا خبث» مورد خطاب قرار داده بود، فرمود «تعزیر چنین مجرمی اندازه مشخصی ندارد، بلکه بسته به نظر

حاکم شرع است».

علاوه بر روایات فوق، تمام روایاتی که سخن از لزوم اجرای تعزیر دارد و از جهت مقدار، عدد خاصی را مطرح نکرده است، نیز مؤید این مطلب می‌باشد که تعزیر بسته به نظر حاکم شرع دارد. زیرا امام معصوم (ع) در مقام بیان بوده و قید و شرطی را مطرح نکرده است و این به معنی اختیار حاکم شرع در تعیین مقدار تعزیر است. همچنین مجازات اسلامی اساساً به منظور تطهیر مجرم و پیشگیری جامعه از وقوع مجدد جرم وضع شده است، تا حاکم اسلامی بتواند در هر مورد، با ملاحظه نوع جرم و شرایط زمانی و مکانی، مجازات متناسبی انتخاب نماید. همچنین قاعده «التعزیر الی الامام» یا «الی الوالی» بیانگر آن است که به طور کلی اجرای مجازات از مناصب و مسئولیت‌های ولایت مسلمین و رهبری به معنای مدیریت جامعه اسلامی است؛ به ویژه اینکه در دو صحیحۀ «سماعه» و «حماد بن عثمان» در مورد تعزیرات صرفاً به نظر «امام» واگذار شده است که نشان دهنده‌ی آن است که این امر از جمله مسئولیت‌های مهم رهبری جامعه اسلامی است؛ چرا که از پیش، کارشناسان باید جرم‌ها را بسنجند و طبق توانایی مرتکبان، مجازات‌های بازدارنده وضع کنند.

از طرفی با توجه به اینکه فساد در زمین، جامعه اسلامی را با مشکل مواجه می‌سازد و حکومت اسلامی را تهدید می‌نماید، مثل قاچاق مواد مخدر و نظایر آن، وظیفه حاکم اسلامی است که با چنین عناصری برخورد نماید. فلذا با توجه به احکام ثانویه و اختیارات وسیع حاکم اسلامی در نظم جامعه و برقراری قسط و عدل مقام ولایت فقیه می‌تواند مجازات اعدام را برای محکوم و

قاچاقچی غیرمسلح در صورت ضرورت و لزوم در مقطعی خاص زمانی و از باب مجازات‌های بازدارند یا احکام سلطانی، تعیین نماید.

همچنین گروه اول، معتقدند که چون قانون گذار در ماده ۱۹ ق.م.ا مجازات اعدام را در جرایم تعزیری قید ننموده است، پس منبعا کلیه اعدام‌های تعزیری منتفی خواهد شد. که در پاسخ این گروه با فرض قبول استدلال ایشان باید گفت، اعدام‌های پیش بینی شده در قوانین خاص مانند قانون مبارزه با مواد مخدر گرچه تعزیری هستند، اما به عنوان قانون خاص مقدم، قانون عام موخر نمی‌تواند نسخ آن‌ها باشد، لذا همچنان به قوت خود باقی هستند و در درجات تعزیری ماده ۱۹ ق.م.ا داخل نمی‌شوند و در مقرراتی مانند تخفیف مجازات، تابع قانون خاص مربوط هستند.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، جلد ۳
 ۲- امامی کاشانی، محمد، رهنمون، نقد و بررسی نظریات فقهی شورای نگهبان
 ۳- الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، جلد ۵
 ۴- بیهقی، احمد بن حسین، سنن بیهقی، جلد ۸
 ۵- حبیب زاده، محمد جعفر، محاربه و افساد فی الارض، ۱۳۷۳
 ۶- حلی، ابن ادریس، السرائر، جلد ۳
 ۷- حلی، ابن فهد، المذهب البار، انتشارات جامعه مدرس، ۱۴۱۳ ه.ق، جلد ۵
 ۸- خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد ۲
 ۹- شهری، غلامرضا، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، جلد ۱
 ۱۰- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، جلد ۴
 ۱۱- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۸
 ۱۲- شکوری، مسائل قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ۱۳۶۵

- ۱۳- شیخ مفید، المقننه، الجوامع الفقهیه
 ۱۴- شهید ثانی، مسالک الافهام، جلد دوم
 ۱۵- شرح لمعه، انتشارات داورى، ۱۴۱۰ ه.ق، جلد ۱۰
 ۱۶- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، انتشارات نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ه.ق، جلد ۵
 ۱۷- المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۸
 ۱۸- صافی گلپایگانی، لطف الله، التعزیر
 ۱۹- طبرسی، مجمع البیان، جلد ۵
 ۲۰- علامه حلی، تحریر الاحکام، کتاب الحدود
 ۲۱- مختلف الشیعه، انتشارات جامعه مدرسین، جلد ۹
 ۲۲- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، انتشارات مکتبه المفید، جلد ۲
 ۲۳- غنیه، ابن زهره، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ ه.ق
 ۲۴- فاضل لنکرانی، تفضیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، کتاب حدود
 ۲۵- قبله‌ای خویی، خلیل، آیات الاحکام، ۱۳۸۴
 ۲۶- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
 ۲۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
 ۲۸- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷
 ۲۹- قانون اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹
 ۳۰- قانون اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶
 ۳۱- قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱
 ۳۲- کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین، انتشارات تهران، جلد ۳
 ۳۳- محقق حلی، شرایع الاسلام
 ۳۴- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش جزایی، جلد ۴
 ۳۵- مروارید، علی اصغر، سلسله الینابیع الفقهیه، جلد ۲۳
 ۳۶- معاونت آموزش قوه قضائیه، بررسی توصیفی جرایم مواد مخدر، ۱۳۸۷
 ۳۷- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، آسیب شناسی فقهی قوانین کیفری، جلد ۲، ۱۳۸۲
 ۳۸- مجموعه بخشنامه‌های قوه قضائیه، ۱۳۸۲
 ۳۹- موسوی خمینی، سید روح اله، ۱۴۲۰ ه.ق، تحریر الوسیله، جلد ۲
 ۴۰- مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهی - قضایی
 ۴۱- مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با رویکرد کاربردی، ۱۳۹۲
 ۴۲- نجفی جواهری، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۴۱